

شهید محمد ترکی



ازتبار علی
سازمان جامع سوادان و فرهنگیان استان بوشهر

نام پدر	کهزاد
تاریخ تولد	۱۳۴۸/۰۴/۱۰
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۷/۰۱/۱۸
محل شهادت	سلمچه
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	راهدار

زندگینامه

زندگینامه شهید

قبل از تولد محمد به یکی از امام زاده ها رفته بودم در آن جا نذر کردم که خداوند فرزند پسری به من عطا نماید. بعد از تولد وی حاج سید باقر حسینی او را به نام محمد نام گذاری کرد. روز تولدش مصادف با وفات حضرت فاطمه الزهراء (س) بود. محمد با توجه به امکانات کم آن زمان در منزل خودمان متولد شد. در دوران خردسالی همیشه در مراسم مختلف از جمله نماز جماعت، مراسم عزاداری و اعیاد شرکت می کرد. به پدر و مادر و خواهر و برادر و بچه های خواهرش علاقه زیادی داشت. به تفریح و بازی علاقه زیادی نشان می داد ولی با وجود خردسالی بیشتر به من و پدرش کمک می کرد.

از نظر فعالیت در مقایسه با دیگر فرزندانم جنب و جوش بیشتری داشت. همیشه از ما سؤال می کرد که چگونه می توان به فقیران و مستمندان کمک کرد.

محمد علاقه زیادی به درس خواندن داشت اما به علت نبود امکانات و شرایط نامساعد روستا و مدرسه و همچنین فقر مالی پدر شرایط جهت ادامه تحصیل چندان مساعد نبود. دوران تحصیل ابتدایی و راهنمایی را با موفقیت پشت سر گذاشت.

با والدین محترمانه برخورد می کرد و احترام زیادی برای خواهرش قائل بود. با دوستان و همکلاسیان خود نیز با مهربانی رفتار می کرد.

همیشه در محافل قرآنی و دعای کمیل شرکت می کرد و بیشتر در مورد زندگی ائمه (ع) مطالعه می کرد.

بیشتر به درس علاقه داشت و اوقات فراغت خویش را به ورزش کردن و دعا خواندن اختصاص می داد. محمد به پسر دایی و پسر عمویش - به دلیل این که دارای رفتار و ویژگی های اخلاقی خوبی بودند - علاقه زیادی داشت. وی روحیه ای اجتماعی داشت و از همان دوران جوانی با همسایگان و دوستان معاشرت می کرد.

از زمان جوانی رفتار و شخصیت وی تغییر یافته بود و حساسیت زیادی نسبت به خواهران خود - به خصوص در زمینه رعایت حجاب - داشت. به امام علاقه زیادی داشت و سعی می کرد دستورات او را به خوبی انجام دهد.

به شخصیت شهید بهشتی علاقه زیادی داشت و اکثر کتاب های او را جمع آوری می کرد. محمد علاقه زیادی به بسیج و سپاه و جهاد در راه خدا داشت و آرزو می کرد که همیشه انقلاب اسلامی در تمام مراحل پیروز گردد و سعی می کرد که در همه مراحل زندگی از وطن اسلامی دفاع نماید و همیشه آرزو داشت که در این راه شهید شود. از خصوصیات بارز اخلاقی ایشان صداقت، شجاعت، امانتداری، وفای به عهد، کمک به دیگران، خوش اخلاقی و معاشرت با دوستان و بستگان بود. همیشه سعی می کرد واجبات را به نحو احسن انجام دهد و بعضی از کارهای مستحبی را نیز انجام می داد. سعی می کرد همیشه در نماز جمعه و جماعت شرکت کند و به ائمه و اهل بیت (ع) و قرآن و دعا و راز و نیاز علاقه وافری داشت. سعی می کرد حق کسی را ضایع نکند. بیشتر اهالی روستا و اقوام و خویشاوندان او را دوست داشتند. وی در ۱۸ سالگی برای اولین بار به جبهه اعزام گردید. از رفتن به جبهه آن هم برای اولین بار بسیار خوشحال بود و به ما دلدار می داد و می گفت می روم و صحیح سالم برمی گردم.

در زمانی که در جبهه حضور داشت برای ما نامه می نوشت و همیشه در نامه هایش امام و دیگران را دعا می کرد. این نامه ها هم اکنون نزد خواهرش می باشد.

آخرین باری که به جبهه رفت از روحیه خوبی برخوردار بود و با همه اعضای خانواده عکس گرفت و می گفت: اگر شهید شدم برای من گریه نکنید و همیشه شاد باشید و همیشه در فکر قیامت و سؤال و جواب آنجا باشید.

دائی ام خبر عروج ملکوتی شهید را به ما داد. خبر شهادت این عزیز ما را بسیار متأثر کرد. چهار روز بعد از شهادتش او را در روز پنج شنبه ۱۸/۱/۱۳۶۸ تا منزلگاه ابدیش – گلزار شهدای روستای راهدار – بدرقه کردیم.

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب و امت شهید پرور اسلام اینجانب محمد ترکی فرزند محمد کاظم ساکن راهدار
برازجان وصیتم به پدر و مادرم این است که اگر به درجه رفیع شهادت نائل شدم هیچ گونه ناراحتی به خود راه
ندهید چرا که افتخاری بیشتر برای شما و میهن اسلامی می باشد. سعی کنید که دشمن در بین شما نفوذ نکند و
حامی قرآن و اسلام باشید. افراد را نسبت به رفتن به جبهه تشویق کنید و سپاه اسلام را تقویت کنید و سعی کنید
منافقان را در بین افراد شناسایی کنید و آنها را نصیحت کنید و اگر قابل نصیحت نیستند با آن ها مبارزه کنید و در
پایان امام را دعا کنید. در ضمن آخرین خطاب من به برادران بسیجی این است که مبادا خدای ناکرده زمانی پیش
آید که دست از بسیج و نگهبانی و پاسداری از خون شهیدان بکشید زیرا اگر چنین شود به حق روز ذلت ما فرا
خواهد رسید.

مصاحبه

مصاحبه با دوست و هم‌رزم شهید:

علیرضا ترنج مهرگان، فرزند عوض، متولد ۱۳۴۸، محل تولد آبادان.

از کودکی با شهید بچه محل بودیم و رفت و آمد خانوادگی داشتیم و در یک کلاس درس می‌خواندیم. از همان آغاز جنگ علاقه خاصی به حضور در جبهه داشتیم. فردی مومن و متعهد به نظام اسلام و دین بود. و همیشه دوستان خود را به تقوای الهی و عبادت پروردگار توصیه می‌کرد.

از ویژگی‌های اخلاقی ایشان رأفت، مهربانی و دلسوزی نسبت به هم‌زمان و دوستان خود بود. محمد فردی ساده و خاکی و بزرگوار بود و با دوستان و هم‌زمان خود رابطه‌ی بسیار دوستانه و خوبی داشت.

محمد از بچه‌های بسیجی مومن و متعصب بود و در فعالیت‌های مختلف از جمله فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ورزشی شرکت می‌کرد. وی همیشه پشتیبان و یاور ولایت فقیه و امام بود و تأکید می‌کرد که هیچ وقت امام را تنها نگذارد.

وی نقش روحانیت را بسیار مهم و ثمر بخش و امیدوار کننده می‌دانست. فراخور تحصیل و سواد و اقتضای سنی خود نسبت به حوادث انقلاب دید باز و بالایی داشت. ایشان در مواجهه با بحران‌ها و مشکلات خیلی صبر و تحمل داشت و هیچگاه شتاب و عجله نمی‌کرد.

نحوه شهادت ایشان نیز بدین گونه بود که در روز ۱۳۶۸/۱/۱۷ قرار بود تا ظهر همان روز در خط باشیم و بعد از ظهر به مقر برگردیم. تا برای آمدن به منزل آماده شویم. حدوداً ساعت ۱۰ صبح بود که یک خمپاره ۶۰ جلولی پای ایشان به زمین خورد و ایشان به فیض عظمای شهادت نائل آمد.

خاطرات

برادر شهید:

همه خانواده، محمد را دوست داشتند و چون با همه رفتار خوب و مناسب داشت در بین همه ما محبوب بود. از دوران نوجوانی رفتار و شخصیت ایشان تغییر یافت و رفتار و کردارش از قبل نیز بهتر و دوست داشتنی تر شد. رفتارش با اعضای خانواده بسیار صمیمی بود و به پدر و مادرمان احترام می گذاشت و نسبت به سایر اعضای خانواده نیز محترمانه برخورد می کرد.

محمد با خواهرمان بیشتر ارتباط داشت و همیشه به او سفارش می کرد که رهرو حضرت فاطمه الزهرا (س) باشد و دین خود را سالم نگه دارد. به علت کوچک نفسی و خوش اخلاقی همه او را دوست داشتند.. با دوستان خود صمیمی بود و همیشه می گفتند دوستی انتخاب کنید که از همه لحاظ از شما بهتر باشد تا بتواند راهنمای شما به سوی خوبی ها و نیکی ها شود.

شهید از دوران کودکی به نماز و ذکر خداوند و قرآن مجید علاقه داشت و همیشه توصیه می کرد در نماز جماعت شرکت کنیم و خودش نیز همیشه در نماز جماعت شرکت می کرد.

او امام علی(ع) را الگو و سرمشق خود قرار داده بود و امام خمینی(ره) را رهبر خود می دانست و به دستور او به جبهه اعزام شد. همیشه آرزو می کرد که در خدمت پدر و مادر خود باشد و بزرگترین آرزویش شهید شدن در راه خدا بود.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران